

راز دوام تعاونی‌ها فقط سرمایه و بازار نیست

پژوهش‌ها نشان می‌دهد تعاونی‌های پایدار معمولاً از ترکیب مدیریت شفاف، آموزش مستمر اعضا، مشارکت واقعی و توان اقتصادی شکل می‌گیرند؛ عناصری که در کنار هم پایداری می‌سازند



در بسیاری از گفت‌وگوهای اقتصادی، وقتی سخن از موفقیت یک تعاونی به میان می‌آید، نخستین نشانه‌ای که به ذهن می‌رسد عدد است؛ عددی که در گزارش‌های مالی دیده می‌شود یا در تراز حساب‌ها جا خوش کرده است. پس از آن نیز معمولاً طول عمر تعاونی سخن گفته می‌شود؛ اینکه چند سال دوام آورده و چه اندازه توانسته در بازار باقی بماند. چنین معیاری در نگاه نخست منطقی به نظر می‌رسد؛ بنگاهی که گردش مالی قابل توجهی دارد یا دهه‌ها فعالیت خود را حفظ کرده، قطعاً از آزمون‌های اقتصادی و مدیریتی گذر کرده است.

اما بر پایه یافته‌های تحقیقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و نیز تجربه‌های جهانی در اقتصاد تعاون، این نگاه هرچند ساده و قابل اندازه‌گیری است، تصویری کامل از واقعیت ارائه نمی‌دهد. تعاونی‌ها تنها بنگاه اقتصادی نیستند؛ آن‌ها نهادهایی زنده‌اند که برای سازماندهی منافع مشترک، تقویت همبستگی اجتماعی و بهبود وضعیت معیشتی اعضا شکل می‌گیرند و از همین روزرایی موفقیت آن‌ها نمی‌تواند صرفاً به گردش سرمایه محدود شود. در دیدگاه‌های نوین توسعه، موفقیت تعاونی‌ها نه در اعداد و ارقام، بلکه در تعادل در عملکرد چندبعدی معنا می‌یابد: مدیریت کارآمد، مشارکت واقعی، پایداری اقتصادی و اثرگذاری اجتماعی. این نگاه تازه ما را از تصویر ساده‌انگارانه «تعاونی ثروتمند» عبور داده و به درکی عمیق‌تر می‌رساند؛ درکی که هم اقتصاد را می‌بیند و هم اجتماع را، هم عدل را و هم معنا را.

معیارهای فراموش شده موفقیت

سنجش موفقیت تعاونی‌ها در بسیاری از ارزیابی‌های اقتصادی به دو شاخص ساده تقلیل یافته است: میزان گردش مالی و طول عمر فعالیت. این اعداد نشان می‌دهند یک تعاونی چه میزان فروش داشته، چه مقدار سود کسب کرده و چند سال در بازار دوام آورده است. سادگی اندازه‌گیری این شاخص‌ها سبب شده به مرور به معیارهای غالب ارزیابی تبدیل شوند.

با این حال، چنین نگاهی تصویر کاملی از واقعیت تعاونی‌ها ارائه نمی‌دهد. ممکن است تعاونی‌ای گردش مالی قابل توجهی داشته باشد، اما اعضای آن در

تصمیم‌گیری‌ها حضور مؤثر نداشته باشند؛ در چنین وضعی، تعاونی عملاً به شرکتی خصوصی با نام تعاون تبدیل می‌شود. از سوی دیگر، طول عمر نیز همیشه نشانه موفقیت نیست. برخی تعاونی‌ها سال‌ها دوام آورده‌اند، اما در کیفیت خدمات، رفاه اعضا یا اثرگذاری محلی پیشرفتی نداشته‌اند. ادامه فعالیت آنان بیشتر حاصل عادت و انفعال است تا نشانه‌ای از پویایی.

پژوهشگران حوزه تعاون بر این باورند موفقیت باید در چارچوبی گسترده‌تر سنجیده شود؛ چارچوبی که ابعاد اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی و اثرگذاری محیطی را در کنار هم در نظر بگیرد. تعاونی زمانی واقعاً موفق است که میان این ابعاد تعادل برقرار کند. تعاونی‌ای که تنها از نظر مالی قوی باشد اما از مشارکت تهی بماند، روح تعاون را از دست می‌دهد و تعاونی‌ای که صرفاً بر همیاری اجتماعی تکیه کند اما توان اقتصادی نداشته باشد، پایداری خود را در معرض خطر قرار می‌دهد. در این میان، مدیریت نقش حلقه اتصال اقتصاد و اجتماع را ایفا می‌کند.

ستون پنهان پایداری

در هر تعاونی، مدیریت همچون ستونی است که تمام سازه اجتماعی و اقتصادی بر آن استوار می‌شود. بدون وجود مدیریتی کارآمد، نه حضور گسترده اعضا و نه حجم سرمایه‌ها می‌تواند تضمین‌کننده موفقیت باشد. ماهیت مشارکتی تعاونی‌ها اقتضا می‌کند که مدیریت، درک دقیقی از هر دو عرصه اقتصاد و اجتماع داشته و بتواند این دو حوزه را در کنار یکدیگر تفسیر و هدایت کند.

مدیر تعاونی، برخلاف مدیران بنگاه‌های معمولی، تنها یک مدیر اجرایی نیست، بلکه نقش میانجی منافع جمعی را بر عهده دارد. او باید میان خواست‌ها و اولویت‌های گاه متفاوت اعضا تعادل ایجاد کند و تصمیم‌هایی بگیرد که ضمن تقویت پایداری اقتصادی، اعتماد و همبستگی درونی را نیز افزایش دهد. تلفیق خرد اقتصادی با حساسیت اجتماعی، جوهره مدیریت تعاونی است.

شفافیت یکی از پایه‌های حیاتی این نوع مدیریت به شمار می‌آید. اعضا باید بتوانند مسیر مصرف منابع، مبنای تصمیم‌ها و برنامه‌های آینده تعاونی را به روشنی دنبال کنند. گزارش‌های دقیق مالی، تشکیل منظم مجامع

عمومی و فراهم بودن امکان گفت‌وگو و نقد از سوی اعضا از عواملی است که سرمایه اجتماعی تعاونی را تقویت می‌کند. تجربه جهانی نشان می‌دهد تعاونی‌هایی با ساختار حکمرانی شفاف، در شرایط بحران نیز انسجام بیشتری نشان می‌دهند.

در کنار مدیریت، آموزش به‌عنوان نیروی محرک تعاونی‌ها عمل می‌کند. در بسیاری از کشورها، آموزش بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت تعاونی است و اعضا، مدیران و کارکنان دوره‌های مختلفی را می‌گذرانند تا مهارت‌های مدیریتی، اقتصادی و مشارکتی خود را ارتقا دهند. آگاهی از حقوق و مسئولیت‌ها، شرط لازم برای مشارکت واقعی است و نبود آن، تعاونی را به تدریج به سمت تمرکز قدرت در دست اقلیتی محدود سوق می‌دهد.

آموزش همچنین کیفیت تصمیم‌گیری جمعی را افزایش می‌دهد. اعضای که با اصول بازار، برنامه‌ریزی اقتصادی یا مدیریت مالی آشنا هستند، به جای تکیه بر حدس و گمان، بر اساس تحلیل و دانش مشارکت می‌کنند. افزون بر این، آموزش زمینه‌ساز نوآوری است و تعاونی‌ها را با تجربه‌های موفق جهانی و روش‌های نوین آشنا می‌سازد. آنچه پایداری تعاونی‌ها را تضمین می‌کند، هم‌افزایی مدیریت کارآمد و آموزش مستمر است؛ دو عنصری که در کنار هم ستون‌های اصلی بنای تعاون را می‌سازند.

مشارکت روح تعاونی

اگر مدیریت ستون تعاونی باشد، مشارکت روح آن است. تعاونی بدون مشارکت فعال اعضا، چیزی جز یک شرکت اقتصادی معمولی نخواهد بود. آنچه تعاونی را از دیگر بنگاه‌ها متمایز می‌کند، حضور واقعی اعضا در فرایند تصمیم‌گیری است.

در یک تعاونی پویا، اعضا تنها سرمایه‌گذار نیستند. آن‌ها در مجامع عمومی حضور دارند، درباره برنامه‌ها گفت‌وگو می‌کنند و در تعیین مسیر آینده نقش ایفا می‌کنند. این مشارکت نه تنها به مشروعیت تصمیم‌ها می‌افزاید، بلکه کیفیت آن‌ها را نیز بالا می‌برد.

وقتی افراد احساس کنند صدایشان شنیده می‌شود، نسبت به سرنوشت سازمان حساس‌تر می‌شوند. این حس تعلق، یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌های تعاونی

است. بسیاری از تعاونی‌های موفق دقیقاً به همین دلیل توانسته‌اند در شرایط دشوار اقتصادی نیز دوام بیاورند؛ زیرا اعضا خود را شریک واقعی سازمان می‌دانند.

در مقابل، کاهش مشارکت معمولاً نشانه‌ای هشداردهنده است. اگر اعضا در جلسات حضور نیابند یا نسبت به تصمیم‌ها بی‌تفاوت شوند، تعاونی به تدریج از درون تهی می‌شود. در چنین شرایطی، حتی اگر فعالیت اقتصادی ادامه داشته باشد، روح تعاون کمرنگ خواهد شد.

از همین رو، بسیاری از سیاست‌های توسعه تعاون بر تقویت سازوکارهای مشارکتی تأکید دارند؛ از شفافیت اطلاعات گرفته تا تسهیل حضور اعضا در فرایندهای تصمیم‌گیری. مشارکت واقعی نه یک شعار، بلکه بنیان حیات تعاونی است.

اقتصاد پایدار و عادلانه

هیچ تعاونی بدون بنیان اقتصادی پایدار نمی‌تواند دوام بیاورد. تعاونی‌ها هرچند ریشه در همیاری اجتماعی دارند، اما در فضای واقعی بازار فعالیت می‌کنند؛ بازاری که رقابت، بهره‌وری و مدیریت منابع در آن تعیین‌کننده است. از همین رو، بعد اقتصادی یکی از اضلاع اصلی ارزیابی موفقیت تعاونی‌ها به شمار می‌آید.

پایداری اقتصادی به معنای توانایی تعاونی در ایجاد درآمد پایدار، مدیریت هزینه‌ها و حفظ تعادل مالی است. تعاونی باید بتواند فعالیت خود را به گونه‌ای سامان دهد که نه تنها هزینه‌های جاری را پوشش دهد، بلکه امکان سرمایه‌گذاری برای آینده را نیز فراهم سازد. بدون چنین توانایی‌ای، حتی مشارکت گسترده اعضا نیز نمی‌تواند ضامن تداوم فعالیت باشد.

با این حال، اقتصاد تعاونی با اقتصاد بنگاه‌های صرفاً خصوصی تفاوت‌هایی دارد. هدف نهایی در بسیاری از شرکت‌های تجاری، بیشینه‌سازی سود برای صاحبان سرمایه است؛ اما در تعاونی‌ها، سود تنها یکی از اهداف است. رفاه اعضا، ثبات شغلی، توسعه محلی و توزیع عادلانه منافع نیز بخشی از مأموریت تعاونی محسوب می‌شود.

از همین رو، موفقیت اقتصادی در تعاونی‌ها با مفهومی گسترده‌تر تعریف می‌شود؛ مفهومی که هم کارایی اقتصادی و هم عدالت توزیعی را در نظر می‌گیرد. تعاونی موفق نه تنها سودآور است، بلکه سود را به شکلی عادلانه میان اعضا توزیع می‌کند و بخشی از آن را برای توسعه آینده کنار می‌گذارد.

در چنین الگویی، اقتصاد و عدالت در برابر یکدیگر قرار نمی‌گیرند، بلکه مکمل هم می‌شوند. تعاونی‌ها می‌کوشند نشان دهند که می‌توان هم در بازار رقابت کرد و هم ارزش‌های همیاری و انصاف را حفظ نمود. این همان نقطه‌ای است که تعاون می‌تواند الگویی متفاوت از اقتصاد ارائه دهد؛ الگویی که در آن انسان و اقتصاد در کنار یکدیگر معنا می‌یابند.

اثرگذاری بر محیط

بعد دیگری که در سال‌های اخیر بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته، اثرگذاری تعاونی بر محیط پیرامون است. تعاونی‌ها تنها برای اعضای خود فعالیت نمی‌کنند؛ آن‌ها بخشی از یک شبکه اجتماعی و اقتصادی گسترده‌تر هستند و عملکردشان می‌تواند بر جامعه محلی، بازار و حتی محیط زیست تأثیر بگذارد.

در بسیاری از مناطق جهان، تعاونی‌ها نقش مهمی در توسعه محلی ایفا کرده‌اند. آن‌ها فرصت‌های شغلی ایجاد کرده‌اند، زنجیره‌های تولید محلی را تقویت کرده‌اند و به افزایش تاب‌آوری اقتصادی مناطق کمک کرده‌اند. چنین نقشی نشان می‌دهد که تعاونی‌ها می‌توانند فراتر از یک بنگاه اقتصادی عمل کنند و به عاملی برای توسعه اجتماعی تبدیل شوند.

اثرگذاری مثبت بر محیط همچنین به معنای تعامل سازنده با دیگر بازیگران اقتصادی است. تعاونی‌ها می‌توانند با تشکیل شبکه‌ها و اتحادیه‌ها، قدرت چانه‌زنی خود را افزایش دهند و فرصت‌های تازه‌ای برای اعضا ایجاد کنند. همکاری میان تعاونی‌ها، که یکی از اصول بنیادین تعاون است، دقیقاً بر همین مبنای شکل گرفته است.

در کنار این‌ها، مسئولیت اجتماعی نیز بخشی از اثرگذاری تعاونی‌ها بر محیط محسوب می‌شود. بسیاری از تعاونی‌های موفق جهان تلاش می‌کنند فعالیت‌های خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که به حفظ محیط زیست، توسعه پایدار و ارتقای کیفیت زندگی در جامعه کمک کند. چنین رویکردی، تصویر تعاونی را از یک سازمان اقتصادی صرف فراتر می‌برد و آن را به نهادی اجتماعی بدل می‌کند. وقتی تعاونی بتواند در کنار موفقیت اقتصادی، اثری مثبت بر جامعه و محیط خود بگذارد، می‌توان گفت که نقش واقعی خود را در اقتصاد اجتماعی ایفا کرده است.

پژوهش

یادداشت
O P I N I O N

جاشید دیوسالار

دیر کارگروه ملی ساماندهی مشاغل فصلی

تعاون کار؛ پلی به اقتصاد رسمی

مشاغل فصلی و غیررسمی که گستره‌ای از کارگران ساختمانی تا فعالان خدمات و رسته‌های نوپدید را دربرمی‌گیرد، بخش بزرگی از نیروی کار ایران را در حاشیه آمار و سیاست‌گذاری نگاه داشته است. این گروه، با وجود نقش مؤثر در گردش اقتصاد، از امنیت شغلی، بیمه و حمایت‌های اجتماعی بی‌بهره‌اند؛ وضعیتی که معیشت میلیون‌ها خانوار را در معرض نااطمینانی مداوم قرار داده و برنامه‌ریزی اقتصادی و انسجام اجتماعی را با اختلال روبه‌رو می‌کند.

اقتصاد غیررسمی را می‌توان به کوه یخی تشبیه کرد که تنها بخش کوچکی از آن در معرض دید قرار دارد و بدنه اصلی آن در زیر سطح آب پنهان مانده است. نیروی کار گسترده‌ای در این حوزه فعال است که با دستمزدهای ناپایدار، نبود قرارداد‌های رسمی، فقدان آموزش‌های نظام‌مند و دسترسی محدود به منابع مالی دست به گریبان است. استمرار چنین وضعیتی، نه فقط آسیب‌های اجتماعی این گروه‌هاست، بلکه برای اقتصاد ملی نیز هزینه‌هایی قابل توجه به همراه دارد.

در چنین شرایطی، تلاش برای ساماندهی این بخش از بازار کار به ضرورتی انکارناپذیر بدل شده است. آغاز فراخوان ثبت‌نام شاغلان فصلی و غیررسمی در قالب حدود چهل گروه شغلی و امکانی می‌توان گامی در جهت بیرون آوردن این نیروی عظیم از سایه‌های اقتصاد غیررسمی دانست. هدف این طرح، ایجاد بستری برای سازماندهی هدفمند، ارتقای توان حرفه‌ای و دسترسی تدریجی شاغلان غیررسمی به حمایت و بیمه است؛ گامی مؤثر در امنیت شغلی و کارآمدی اقتصادی.

در این میان، ظرفیت‌های بخش تعاون نقشی محوری در این فرآیند ایفا می‌کند. ماهیت مردمی و مشارکتی تعاونی‌ها، آن‌ها را به بستری مناسب برای تجمع نیروهای پراکنده و ایجاد هم‌افزایی در میان شاغلان غیررسمی تبدیل کرده است. سازماندهی این نیروها در قالب تعاونی‌های صنفی می‌تواند قدرت چانه‌زنی آنان را افزایش دهد، مسیر دسترسی به بیمه‌های اجتماعی مقرون به‌صرفه را هموار کند و امکان تأمین تجهیزات و خدمات موردنیاز را با هزینه‌ای کمتر فراهم آورد.

در واقع، تعاونی‌سازی می‌تواند پلی میان اقتصاد غیررسمی و ساختارهای رسمی اقتصادی ایجاد کند. در کنار این رویکرد، طراحی سامانه‌ای یکپارچه با عنوان «تعاون کار» نیز گامی مهم در جهت شفاف‌سازی و ساماندهی این حوزه به شمار می‌رود. این سامانه با هدف رصد، طبقه‌بندی و مهارت‌سنجی نیروی کار شکل گرفته و می‌تواند به ایجاد پیوندی کارآمد میان کارفرمایان و نیروهای متخصص کمک کند. برای شاغلان نیز این بستر فرصتی فراهم می‌آورد تا توانمندی‌ها و مهارت‌های خود را معرفی کنند و از مسیرهای تازه‌ای برای اشتغال و همکاری بهره‌مند شوند. بسته‌های حمایتی، از بیمه‌های ارزاقیمت تا صندوق‌های خرد و آموزش‌های تخصصی، نشان می‌دهد ساماندهی مشاغل غیررسمی پروژه‌ای اداری نیست، بلکه تلاشی برای بازتعریف نسبت نیروی کار و نظام حمایت اجتماعی است؛ تلاشی که با مشارکت مردمی می‌تواند نیروی کار پنهان را به اقتصاد رسمی و توسعه پایدار پیوند دهد.

“

تعاونی‌ها زمانی به نهادهای پایدار تبدیل می‌شوند که اقتصاد و اجتماع در کنار هم تقویت شوند؛ جایی که سودآوری با اعتماد جمعی پیوند می‌خورد